

## شکایت در مجموعه شعر «خطی ز سرعت و از آتش» سیمین بهبهانی از نگاه رمانتیسم

آزاده طیبی<sup>۱</sup>

کبری نودهی<sup>۲</sup>

تقی امینی مفرد<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۹

DOI: 10.22080/RJLS.2023.24671.1366

### چکیده

یکی از تأثیرات مهم مکتب رمانتیسم بر شاعران ایران، توسعه‌ی جهان‌بینی و در ادامه، افزایش دامنه‌ی میزان اعتراضات و شکواییه‌های آنان در قبال مسائل مختلف اجتماعی بوده است. این مسأله به‌ویژه زمانی که بی‌عدالتی‌ها، چالش‌ها، نابسامانی‌های اجتماعی و فردی در جامعه تشدید گردد، اثرات خود را به طرز کاملاً ملموس‌تری نشان می‌دهد. سیمین بهبهانی یکی از شاعران معاصر است که دوران پهلوی، انقلاب و پس از آن را درک کرده است. در دوره پهلوی بسیاری از تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها، مرگ‌ها، نادیده گرفته شدن‌ها، اعتراضات مردم به وضع موجود در جامعه و پس از انقلاب نیز جنگ تحمیلی را شاهد بوده. در این مقاله، نگارندگان سعی دارند تا به روش توصیفی - تحلیلی، گفتمان رمانتیستی شکواییه را در آثار سیمین بهبهانی تجزیه و تحلیل نمایند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شکواییه‌های شخصی در مجموعه شعر یادشده برجسته‌تر می‌نماید که این مطلب علاوه بر آنکه شناخت دقیق و بهتری از زمانه، روحیات و اندیشه‌های شاعر را فراهم ساخته، بیانگر روح حساس و زنانگی وی است که در برهه‌ای از زندگی خود، حوادث تلخ و ناگواری را تجربه کرده و با صراحت و بی‌پرده‌ای از دردها و ناکامی‌ها در شعرش سخن رانده است. او با این شیوه توانسته مخاطب را با خود همراه سازد و به تفکر وادارد که بی‌تردید این سطح از توجه به تغییر نگرش مخاطب، دارای ارزش والایی است.

**کلیدواژه‌ها:** مکتب رمانتیسم، شکواییه، سیمین بهبهانی، خطی ز سرعت و از آتش.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. رایانامه: tayyebi269@gmail.com

<sup>۲</sup> - استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. (نویسنده‌ی مسؤول) رایانامه: kobranodehi@iau.ac.ir

<sup>۳</sup> - استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. رایانامه: taghiamini@iau.ac.ir

## ۱- مقدمه

در ادبیات جهان، آثار ادبی بر اساس موضوع و محتوا به چهار دسته‌ی غنایی، حماسی، تعلیمی و نمایشی طبقه‌بندی می‌شود که در این میان، ادب غنایی قدمتی دیرین و حوزه‌ای گسترده‌تر دارد. ادب غنایی که دامنه‌دارترین بخش ادبیات فارسی است، در برگیرنده‌ی اشعاری است که احساسات و عواطف شخصی را در هر زمینه‌ای مطرح می‌کند. (حاکمی، ۱۳۸۶: ۲۲)؛ مسأله‌ی مهم آنجایی است که در ادبیات غنایی، عناصر عاطفه و احساس بر سایر عناصر غالب هستند و هرچه شاعر یا نویسنده، عواطف و احساسات ناب‌تری داشته باشد، سخن او دلنشین‌تر خواهد شد. این ادبیات در مقایسه با سایر انواع ادبی، قدیمی‌تر و ناب‌تر است. (حاجیان، ۱۴۰۱: ۵۰) در شعر غنایی که بیانگر احساسات صمیمی و خودمانی شاعر است، «من» واقعی شاعر بدون هیچ تحریفی نشان داده می‌شود از این رو، شاعر اشعاری می‌سراید که بر دل می‌نشیند و توان نوازش نمودن گوش جان مخاطب خود را دارد. از طرفی، ادبیات غنایی شاخص‌های خاصی دارد که آن را از انواع دیگر جدا می‌کند. وجود بعضی از آن‌ها الزامی و فقدان آن‌ها باعث می‌شود که متن یا شعر از غنایی بودن خارج شود و برخی از این شاخص‌ها فرعی هستند. از شاخص‌های اصلی می‌توان به احساسی بودن، عارفانه و عاشقانه بودن، درون‌گرایی، دید منفی به جهان و ایجاد فضای غم‌آلود اشاره کرد. (ناصری، ۱۴۰۰: ۲۳-۲۶)

### ۱-۱- بیان مسأله

در اکثر آثار ادبیات رمانتیک، عواطف و حالات روحی شاعر نقش پررنگی دارد، به نحوی که اساساً موضوعات به نحوی بیان می‌گردند که مطمح نظر نویسنده باشند. (رضازاده، ۱۴۰۰: ۱۰۶)؛ غم و اندوه بر شادی غلبه دارد و دید شاعر یا نویسنده به جهان منفی است و مهم‌ترین قالب آن، غزل است. (مددی، ۱۴۰۰: ۸)؛ از آنجا که شاعر محور اصلی در ادبیات غنایی است، به غیر از مضامین عاشقانه، موضوعاتی همچون حسب‌حال‌سرایی، اشعار دینی، مرثیه، مدح، شکایت، حبسیات و سایر موضوعات نیز در ادبیات غنایی وجود دارد و بعد اجتماعی نیز اهمیت ویژه‌ای در این نوع ادبیات دارد. از همین جهت ادبیات غنایی دارای افق معنایی بسیار وسیعی است. (نجاریان، ۱۴۰۰: ۴۹)

«شکوائیه» یا «بث‌الشکوی»، یکی از اقسام ادب غنایی است که در لغت به معنی گله و شکایت و نالیدن است. شعر فارسی همواره علاوه بر کامیابی‌ها و خوشی‌ها، در مواقعی که خدشه‌ای به روح حسّاس و عواطف شاعران وارد شده است، آلام و دردهای آن‌ها را نیز بیان کرده و در این میان، شعر شکوائی یا

بث‌الشکوی، انعکاس‌دهنده‌ی ناکامی و شکست، ناامیدی، رنج، بیماری، پیری و ناتوانی و به‌طور کلی شرح آلام و دردهای شاعران است. (زرین‌کوب، ۱۳۹۳: ۹۴ و بنی‌فاطمه و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۳).

یکی از شاعران معاصر مکتب رمانتیسیم، سیمین بهبهانی، مشهور به بانوی غزل می‌باشد. وی دوره‌های پهلوی دوم، انقلاب و پس از آن را درک و بسیاری از مسائل جامعه را از نزدیک رؤیت و از تمامی فراز و نشیب‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران خود به‌خوبی آگاهی داشته است. لذا در میان شاعران بزرگ معاصر، چهره‌ای خاص دارد. (قنبرعلی باغنی و او جاقعلی زاده، ۱۴۰۱: ۲۴۵)؛ او تنها شاعری است که در شعر به راه نیما نگرویده (با تمام احترامی که برای او قائل است) و همچنان غزل‌سرا باقی مانده است.

اهمیت شکواییه‌های سیمین بهبهانی را می‌توان از ابعاد و زوایای مختلف نگریست. نخست آنکه بهبهانی، نماینده‌ی آن دسته از شاعرانی است که با فاصله گرفتن از نگرش سنتی، رویکرد اصلاح‌طلبانه‌ای را در پیش گرفته‌اند. (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۳)؛ دوم، بهبهانی به‌گونه‌ای افراطی به ارزش و مقام انسان ارج می‌نهد، زیرا تحت تفکر اومانیسیم به اصالت و محوریت انسان در زندگی معتقد است. انسان در اشعار بهبهانی، جایگاه والایی دارد، زیرا وی به وجود واجب‌الوجود ایمان داشته، به آن به‌عنوان مرجع قدرتی فراتر از انسان معتقد است. (قنبرعلی باغنی و او جاقعلی زاده، ۱۴۰۱: ۲۳۵)؛ سوم، شکواییه‌های اجتماعی سیمین با تمسک به مفاهیمی همچون سلب آزادی‌های اجتماعی، اختناق و... بازتاب یافته که با نوعی رمانتیسیم آمیخته گردیده است. (شیرازی و دیگران، ۱۴۰۰: ۹۷)

#### ۱-۲- پرسش‌های پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی که به نحوی جامع ابعاد شکواییه‌ای شعر سیمین بهبهانی را در مجموعه شعر «خطی ز سرعت و از آتش» بررسی کرده باشد، موجود نیست. به همین سبب، این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است که مهم‌ترین وجوه گفتمان رمانتیستی شکواییه در آثار سیمین بهبهانی کدام‌اند؟

#### ۱-۳- روش پژوهش

روش تحقیق این مقاله، توصیفی-تحلیلی است که با بررسی مجموعه شعر «خطی ز سرعت و از آتش»، ابیات مرتبط با انواع شکواییه‌ها استخراج و پس از دسته‌بندی موضوعی، تمامی ابیات با مراجعه به منابع موجود تحلیل می‌شود.

#### ۱-۴- پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی شکواییه، پژوهش‌هایی در قالب مقاله و پایان‌نامه انجام شده است که از شاخص‌ترین آن‌ها باید این موارد را برشمرد:

- اکبری (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد خود با عنوان «بررسی تطبیقی جنبه‌هایی از رمانتیسیم در شعر سعاد الصباح و سیمین بهبهانی» به این نتیجه‌گیری دست یافت که هر دو شاعر هنرمندانه آن را با عشق خویش پیوند داده، در دامانش تسلی می‌یابند. گاه نیز آن چنان غم و اندوه بر دلشان چیره می‌شود که به نوعی یأس و ناامیدی می‌گراید. در زمینه رمانتیسیم اجتماعی نیز همدردی با محرومان، وطن‌گرایی و آزادی‌خواهی از جمله موضوعات و مضامینی است که هر دو شاعر به آن پرداخته‌اند. از نظر ساختاری نیز سعاد و سیمین به گونه‌ای این مفاهیم را با عنصر عاطفه و خیال می‌آریند که در قلب و جان مشتاقان شعر و ادب، تأثیر عمیق و توصیف‌ناپذیری می‌گذارد. زبان شعری‌شان نیز ساده و قابل فهم برای همگان است.

- ثریا محابد (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ی ارشد خود با عنوان «نقد و تحلیل رمانتیسیم در شعر سیمین بهبهانی و طاهره صفارزاده» به این نتیجه دست یافت که زندگی، نوع اندیشه و باورهای بهبهانی و صفارزاده، در نوع به کارگیری مؤلفه‌های رمانتیسیمی آن‌ها مؤثر بوده است. رمانتیسیم بارز طاهره صفارزاده، رمانتیسیم اجتماعی و انقلابی است که متأثر از نگرش‌های سیاسی و فعالیت‌های مذهبی او است و سیمین بهبهانی در هر دو نوع رمانتیسیم اجتماعی و فردی، اندیشه‌های خود را در شعر بازتاب داده است؛ اما در شعر بهبهانی، احساس‌گرایی به‌ویژه در حوزه‌ی فمینیسم و اروتیسیم، جلوه‌ی پررنگ‌تری دارد. در مجموع طاهره صفارزاده به رمانتیسیم اجتماعی و سیمین بهبهانی به رمانتیسیم فردی، توجه بیشتری نشان می‌دهد؛ هرچند بهبهانی در مضامین اجتماعی و انقلابی هم فعالیت کرده و یک‌بعدی جلوه نکرده است.

- حیاتی و ایزدیار (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «انواع شکواییه در اشعار نیما یوشیج» به این نتیجه دست یافتند که شکواییه‌های نیما در سروده‌های نخستین، بیشتر جنبه‌ی شخصی دارد؛ اما به تدریج گله‌های او رنگ اجتماعی به خود می‌گیرد.

- علیزاده و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی زیبایی‌شناسی و مقایسه شکواییه‌های شخصی در اشعار سعدی شیرازی و صائب تبریزی» به این نتیجه دست یافتند که در اشعار سعدی، شکوه از فراق یار، بیشترین بسامد را در میان شکواییه‌های شخصی دارد.

- اکرمی ابرقویی و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی شکواییه‌ها در دیوان ابوالقاسم لاهوتی» به این نتیجه دست یافتند که لاهوتی بر مبنای اندیشه‌ها و هدف‌های سوسیالیستی و سیاسی خود، به دفاع از منافع کارگران، کشاورزان، رنجبران و محرومان طبقات گوناگون اجتماع می‌پردازد.

- باباصفیری و طالب‌زاده (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل شکواییه در شعر شهریار» به این نتیجه دست یافتند که بیشترین میزان شکواییه‌ها مربوط به شکواییه‌های شخصی و کمترین میزان نیز از آن شکواییه‌های عرفانی است. شکواییه‌های فلسفی، اجتماعی و سیاسی به ترتیب در رده‌های دوم تا چهارم قرار می‌گیرد.

- حسنی و کاظمی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی شکوه در دیوان وصال شیرازی» نشان دادند که اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی روزگار وصال شیرازی، انحطاط هنر و ادب ایرانی، فقر و تنگدستی، بی‌توجهی به شاعر و بیماری وی باعث شده است که این شاعر با حسرت و نگاهی شکوه‌آمیز از آن روزگاران یاد کنند.

همان‌گونه که در بالا نیز تبیین گردید، تاکنون پژوهشی با موضوع شکواییه در مجموعه اشعار سیمین بهبهانی صورت نگرفته است و نگارندگان این مقاله برای نخستین بار به تحلیل شکواییه در شعر سیمین بهبهانی با تکیه بر دفتر «خطی ز سرعت و از آتش» می‌پردازند.

## ۲- مبانی نظری پژوهش

رمانتیسم، نام جنبش هنری است که در اواخر سده‌ی هجده و اوایل سده‌ی نوزدهم میلادی شکل گرفت و در معنای عام به دوره‌ای اطلاق می‌شود که در آن کیفیت‌های عاطفی و تخیلی در هنر و زندگی مورد تأکید قرار می‌گیرد. دوره‌ی اوج این جنبش بین سال‌های ۱۷۹۰ تا ۱۸۴۰ و زادگاه این شیوه، انگلستان بود. مضمون‌های شاخص هنر رمانتیک عبارتند از: عشق به منظره‌های بکر طبیعی و امور رمزآمیز غریب در هر هیأت و ظاهری، غم غربت درباره‌ی دوران گذشته، اشتیاق پرشور به نیروهای لگام‌گسیخته، تمایل شدید به آزادی و... (کهریزی و بیگ‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۷۷-۱۷۸)؛ واژه‌ی رمانتیک در لغت به معنای خیالی، افسانه‌وار و واهی است. در همین معنا رمانتیسم، یک روش هنری متضاد با کلاسیسیسم و رئالیسم دانسته می‌شود. رمانتیسیسم، اصطلاحی است که در تاریخ هنرهای نوین نمی‌توان آن را کنار گذاشت. این اصطلاح را اواخر قرن هجدهم، ابتدا منتقدان آلمانی برای تفکیک خصوصیات هنری مدرن از خصوصیات کلاسیک به کار بردند. رمانتیسیسم به قدری جلوه‌ها و نمودهای متنوعی دارد که ذکر یک

توصیف واحد برای آن غیر ممکن است. اما موضوع اصلی آن، اعتقاد به ارزش تجربه‌ی شخصی و فردی است. در واقع رمانتیسم، واکنشی بود در مقابل خردگرایی عصر روشنگری و نظم سبک کلاسیک. (بساک و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱۶)

پژوهشگران، چیرگی خودباوری و نگاه سرد دانشمندان سده‌های هفدهم و هجدهم به انسان و طبیعت و جامعه، ناامنی‌ها، فقر، استثمار قشرهای وسیعی از مردم در اروپای قرن هجدهم، تباهی‌های اخلاقی، تشریفات کسالت‌آور، ریا و تظاهر در روابط اجتماعی، خشونت‌ها و انتقام‌جویی‌های دوران انقلاب فرانسه، سرخوردگی‌ها و بدگمانی مردم و... را از دلایل اصلی شکل‌گیری نهضت رمانتیسم می‌دانند. همدلی و یگانگی با طبیعت، بازگشت به دوران بدوی و معصومیت کودکی، روستاستایی و نفی مظاهر تمدن جدید، فردیت، ترجیح احساس و تخیل بر عقل، نوستالژی و حسرت بر ایام گذشته، رؤیا، ناامیدی، مرگ‌اندیشی، توصیف فضاهای تیره و مبهم و وحشت‌زا، کابوس، مضامین گناه‌آلود و شیطانی و ناسیونالیسم از مهم‌ترین مشخصات جنبش رمانتیسم است. (کریمی اصلی و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۵)؛ از آنجایی که کشور ما تحولات عظیم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی سرزمین‌های غربی را در آن حد وسیع و پردامنه تجربه نکرده است، طبعاً اطلاق چنین نامی بر ادبیات و شعر جدید فارسی از سر تسامح و ناگزیری خواهد بود. شعر جدید فارسی از دوره‌ی مشروطیت به بعد در هر سه شاخه رمانتیسم (یعنی متعادل و متعارف، اجتماعی و افراطی و احساسات‌گرا) برای خود نمایندگانی داشته است. (فیروزی، ۱۳۹۳: ۲۹-۳۲)

به طور کلی رمانتیست‌ها معتقدند که بیان استدلال، تنها راه رسیدن به حقیقت نبوده، برای درک ناگفته‌ها و نادیده‌های زندگی کفایت نمی‌کند. این ناگفته‌ها در عین حال در پس احساسات و عواطف و تخیل آدمی پنهان هستند. رمانتیست‌ها بر زندگی پر از احساسات و مملو از عواطف و ابراز آن‌ها به‌طور کاملاً آزادانه تأکید داشتند. آن‌ها که انقلاب صنعتی را مایه‌ی تحقیر انسان می‌انگاشتند، از عواطف و احساسات آدمی به‌عنوان سنگری محافظت‌کننده در برابر حقارت نام بردند. همچنین پیروان مکتب رمانتیسم، ارزش‌های انسانی را ستوده، از آن به‌عنوان نیروهای بالقوه، بی‌نهایت و خداگونه یاد کردند. ایشان عقل‌گرایی و قانونمندی محض را که نئوکلاسیسم روشنگری را به وجود می‌آورد، کنار زده، همانند دوره‌ی باروک تصمیم داشتند تا پاسخی عاطفی را در بیننده‌ی خود به وجود آورند. (فورست، ۱۳۹۵: ۴۴-۴۶)

## ۱-۲- شکواییه یا بث‌الشکوی از نظر بیان و زبان

از لحاظ بیان و زبان، شکواییه به دو دسته کلی طنزآمیز و صریح تقسیم می‌شود:

**الف) شکوه‌های طنزآمیز:** شاعری که به زبان طنز سخن می‌گوید، می‌کوشد تا از طریق گله از روزگار و انتقاد از وضع نامطلوب جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند و حتی از طریق گله و شکایت از نظام گیتی، غم و درد نهفته‌ی خود را آشکار سازد و از آنچه در نظر او نامطلوب است، شکوه کند. حاصل طنز، نه خنده و شادی از سر بی‌دردی، که نیشخند و زهرخندی است از سر درد و خنده‌ی تلخی که از گریه غم‌انگیزتر است و در ورای این خنده‌ی تلخ، جهانی درد و رنج و شکوه و شکایت نهان است. (واحد و نوری باهری، ۱۳۹۶: ۳۱۴)؛ برخی از سروده‌ها و نوشته‌های عبید زاکانی مثل منظومه‌ی «موش و گربه» و رساله‌ی «اخلاق الاشراف» و «صد پند»، بیانگر شکوه‌های طنزآمیز و دردآلود این شاعر از نظام اجتماعی مورد انتقاد اوست. همچنین بخش عظیمی از اشعار رندانه حافظ، شکوه‌هایی است که به قصد انتقاد از ریاکاری‌ها و سلطه‌جویی‌های ارباب زر و زور و تزویر، چون محتسب و صوفی و زاهد، به زبان طنز بیان شده است. به طور کلی از عصر مشروطه تا روزگار ما که مسأله‌ی طنز و بیان طنزآمیز مورد توجه خاص قرار گرفته است، در آثار منظوم و به‌ویژه در آثار منثور می‌توان نمونه‌هایی از این گونه شکوه و شکایت‌ها را یافت؛ مثل سروده‌های نسیم شمال و برخی از سروده‌ها و نوشته‌های دهخدا. بنابراین طنز همواره جنبه‌ی کلی و اجتماعی دارد و اگر موضوع آن، فرد باشد، از آنجا که فرد در حکم نماینده جمع است، نتیجه کار کلیت می‌یابد و رنگ اجتماعی می‌گیرد و این از آن‌رو است که معمولاً در طنز، مقاصد اصلاح طلبانه و اهداف اجتماعی مورد نظر است.

**ب) شکوه‌های صریح:** شکوه‌هایی که نه با زبان طنز و استهزا، بلکه به زبان جد بیان می‌شود و برخلاف لحن غالباً غیر مستقیم طنز، دارای بیان مستقیم و صریح است. (کاظمی و اعظم‌پور، ۱۳۹۰: ۴۶)

۲-۲- شکواییه از نظر محتوا

از نظر محتوا، شکواییه به چند دسته طبقه‌بندی می‌شود:

**الف) شکوه‌های شخصی:** شکوه‌هایی است که از دردها و رنج‌های شخصی و فردی به بار می‌آید. می‌توان این دردها و رنج‌ها و در نتیجه شکوه‌ها و شکایت‌ها را به دو دسته تقسیم کرد و قسمی را طبیعی و مادی و قسمی را معنوی و روحی نامید. شکوه‌های طبیعی و مادی، شکوه‌هایی است که از مصائب و آلام مادی و طبیعی سرچشمه می‌گیرد، مثل شکوه و شکایت از بیماری، ناتوانی و پیری. از نمونه‌های برجسته

این‌گونه بثلشکوی، قصیده‌ی معروف رودکی با عنوان «دندانیه» یا «پیری رودکی»، به مطلع «مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود» است.

شکوه‌های معنوی و روحی، شکوه‌هایی است که از دردها و رنج‌های درونی و روحی به بار می‌آید. این دردها و رنج‌ها از عشق سرچشمه می‌گیرد و از آنجا که عشق شامل عشق زمینی و انسانی و عشق آسمانی و عرفانی است، می‌توان بثلشکوی را از این دیدگاه به عاشقانه و عارفانه تقسیم کرد. شکوه‌های عاشقانه از عشق زمینی و غم عشق انسانی حاصل می‌شود که به تعبیر سعدی: «غم عشق آمد و غم‌های دگر پاک بُرد» و عاشق دردمند مسکین از «جور رقیب و سرزنش اهل روزگار»، از درازی شب فراق و کوتاهی شب وصال می‌نالند و از جفا و ناز معشوق شکوه می‌کند که: «من ندانستم از اول که تویی مهر و وفایی». (سعدی، ۱۴۰۱: ۳۱۲)؛ اشعار عاشقانه به طور عام و غزل‌های عاشقانه سعدی به طور خاص، جلوه‌گاه لطیف‌ترین بثلشکوی‌های عاشقانه در شعر فارسی است. شکوه‌ها و شکایت‌های برآمده از عشق آسمانی و عرفانی نیز در شمار بثلشکوی‌های فردی و شخصی است؛ زیرا تجربه عرفانی، تجربه‌ای است شخصی و سیر و سلوک باطنی، تلاشی است که فرد با هدف رهایی خویش در پیش می‌گیرد و به امید آنکه گلیم خویش از امواج گناه به در برد، می‌کوشد و در جریان این کوشش عاشقانه، چون از حکایت شور و شوق عشق خود سخن گوید و از قصه فراق جانان با سینه شرحه شرحه، شرح درد اشتیاق سر می‌کند، شکوه‌های عارفانه شکل می‌گیرد و بثلشکوای عرفانی پدید می‌آید. «نی‌نامه» مثنوی، نمونه‌ای است برجسته و گویا از بثلشکوای عرفانی که در شکوه از فراق و شرح درد اشتیاق پرداخته شده است. بسیاری از غزل‌های عارفانه‌ی مولانا و دیگر شاعران عارف‌مشرّب نیز در شمار بثلشکوی‌های عرفانی است.

**ب) شکوه‌های اجتماعی:** شکوه و شکایت‌هایی است از دردها و نابسامانی‌های حاکم بر اجتماع، مثل شکوه از تبعیض‌ها، تجاوزها و تعدّی‌های ارباب زر و زور و تزویر و به تعبیر فرّخی یزدی، شکوه و شکایت است از وضع نامطلوب موجود، به امید دگرگون ساختن آن و حرکت به سوی آرمان‌ها و کمال مطلوب‌ها با دعوت مردم به قدم زدن در طریق عدالت و پا بر سر عوالم جور و ستم نهادن. این از آن‌رو است که شاعر، هنرمند است و هنرمند، کمال‌طلب و آرمان‌خواه؛ و از منظر کمال‌طلبی، وضع موجود را حتّی اگر احیاناً بالنسبه مطلوب هم باشد، در قیاس با وضع آرمانی، نامطلوب می‌بیند و بدان امید که زمینه‌ی دگرگونی فراهم آید، شکوه سر می‌دهد و بدین‌سان بثلشکوای اجتماعی شکل می‌گیرد.



### ج) شکوه‌های سیاسی: گونه‌ای از بث‌الشکوای اجتماعی است که در آن، ضمن بیان نابسامانی‌های

اجتماعی، حاکمان بیدادگر نیز مورد اعتراض و انتقاد قرار می‌گیرند و شاعر از ستم و بیداد آنان نسبت به مردم شکایت می‌کند. شماری از اشعار سیف فرغانی، به‌ویژه قصیده معروف او به مطلع «هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد»، (سیف فرغانی، ۱۳۹۲: ۱۹۴) شکوه‌ای اعتراض‌آمیز از حاکمان ستمگر مغول و نمونه‌ای از بث‌الشکوای سیاسی، یا سیاسی - اجتماعی است.

### د) شکوه‌های فلسفی: شکوه‌ای است شاعرانه که سراینده‌ی آن به نظام هستی اعتراض و از چرخ

فلک و روزگار شکایت می‌کند. شکوه‌ی حکیمانه‌ی فردوسی در مقدمه داستان رستم و سهراب با تعبیر «اگر مرگ دادست بیداد چیست؟» (فردوسی، ۱۳۸۸: ۴۰۳) که اعتراضی است به مرگ‌های نابهنگام، بث‌الشکوایی فلسفی به شمار می‌آید. اساساً بث‌الشکوای فلسفی را شعر نگرانی و دلهره می‌دانند و از آن به شعری تعبیر می‌کنند که موضوع و مضمون آن، نگرانی انسان از مسائل زندگی است. فردوسی، خیام و حافظ را سه نماینده‌ی برجسته‌ی این گونه شعر معرفی می‌کنند. از آنجا که فیلسوف در پی تأملات شخصی به درد و رنج گرفتار می‌آید و شکوه و شکایت سر می‌کند، می‌توان بث‌الشکوای فلسفی را گونه‌ای شکواییه شخصی نیز به شمار آورد. (طالب‌زاده، ۱۳۹۹: ۶۳-۶۹)

### ۳- معرفی سیمین بهبهانی

سیمین بهبهانی از جمله شاعرانی است که ۲۲ سال (۱۳۰۶) پس از انقلاب مشروطه به دنیا می‌آید. او در نوجوانی، زمانی که غزل در سایه‌ی مشروطیت پذیرای محتوای سیاسی - اجتماعی شده، به دنبال غزل می‌رود. سپس کار شاعری را با سرودن چهارپاره‌های رمانتیک توأم با مایه‌ها و مفاهیم اجتماعی و فرهنگی دنبال می‌کند. (جعفری و نصرتی، ۱۳۹۴: ۷۰)؛ بهبهانی یکی از اجتماعی‌ترین شاعران روزگار ماست. او معتقد است که یک شاعر به منزله‌ی آینه‌ای است که اوضاع و احوال اجتماع چون اشعه به آن اصابت کرده و مجدداً این اشعه و انوار، انعکاس خود را به محیط بازمی‌گرداند. سیمین از همان آغاز شاعری، در کنار غزل‌های عاشقانه به مسائل اجتماعی نیز پرداخته است. هرچند اشعار اولیه‌اش نسبتاً سطحی و فاقد نوآوری و ابداع است، همین اشعار به تدریج مسیر کمال می‌پوید و در دهه‌ی ۶۰ به پختگی و کمال رسیده و با زبانی صریح و منسجم‌تر به مسائل بیرون از خود می‌پردازد. در واقع ارتباط این زبان مجاری «شعر» را با بیرون، باید تعهد دانست. بهبهانی در چهار دهه‌ی واپسین زندگی‌اش، از آغاز دهه‌ی ۱۳۵۰ تا آغاز دهه‌ی ۱۳۹۰، دوره‌ی پختگی را از نظر ادبی گذراند. شعر او در این دوره‌ی طولانی در دو

خطّ کنش و واکنش اجتماعی، سیاسی، شیدایی و اشتیاق فردی و حسّی حرکت کرده است. حرکت او در این دو خط، به لحاظ زبان و موسیقی و ساخت شعری با نوآوری‌ها و نواندیشی سبکی خاص و متمایزی همراه بوده است. (عابدی، ۱۳۹۳: ۹۱)

اگر دهه‌ی ۱۳۴۰ را دهه‌ی گذار شعر بهبهانی بنامیم، دهه‌ی بعد را باید دهه‌ی دگرگونی در شعر او نام داد. نخستین دفتر از غزل‌های او در این دوره در آذرماه ۱۳۶۰ در دفتری با عنوان «خطّی ز سرعت و از آتش» گردآوری و منتشر می‌شود. بخش نخست، شعرهای گوینده را از بهار ۱۳۵۲ تا آغاز تابستان ۱۳۵۷ در برمی‌گیرد. محتوای این غزل‌ها از من فردی تا من انسانی در نوسان است؛ گاه این غلبه دارد و گاه آن. مجموعه‌ای از تلاطم‌های فردی، روحی یا اجتماعی در شعرهای این بخش جلوه‌گر است. صرف‌نظر از چند اشاره‌ی دور سیاسی، البته از عشق، نشانه‌های آشکاری در شماری از این شعرها دیده می‌شود.

### ۳-۱- مجموعه شعر «خطّی ز سرعت و از آتش»

مجموعه شعر «خطّی ز سرعت و از آتش»، شصت غزل دارد و یک غزل قصیده. سیمین بهبهانی در این نوع غزل‌ها، ضوابط جدید و کاربرد دیگرگونه‌ای ایجاد کرده و چون هر بیت به چهار نیم مصراع و هر مصراع به دو پاره وزن کوتاه و مساوی سامان‌بندی شده است، به خاطر سپردن وزن آن‌ها آسان‌یاب‌تر است. (رجایی، ۱۳۹۶: ۱۰۳)؛ ریتم این غزل‌ها به شعرهای سپیدی که از یک نوع وزن درونی برخوردارند، بی‌شبهت نیست و درون‌مایه‌ی این غزل‌ها هم همان‌گونه که از عنوان‌هایش پیداست، «خطّی ز سرعت و آتش» در آن نمایان است؛ هرچند وزن‌های سنگینی باعث کم‌تحرّکی در شعر شده است. این دفتر به دو بخش تقسیم شده است: بخش اوّل «تا جمعه سیاه...» است و بخش دوّم «از جمعه سیاه...» که به جز چند غزل عاشقانه، بقیه غزل‌ها بن‌مایه‌های اجتماعی - سیاسی دارد. (جلال‌پور، ۱۳۹۳: ۶۶).

سیمین بهبهانی از معدود شاعرانی است که با وجود پابندی به قوالب کلاسیک، در برابر تحولات اجتماعی و سیاسی حساسیت نشان می‌دهد و در همین قالب‌ها - از جمله غزل - به جذب برخی از سنت‌های سمت‌شده اقدام کرده است و عناصر تازه‌ای بر غزل افزوده است. البته سیمین هیچ وقت از ریشه جدا نمی‌شود و پیوند خود را با ادبیات کلاسیک قطع نمی‌کند. او تلمیحاتی از قرآن و داستان‌های فردوسی و تصاویر تشبیهی و استعاری از شاعران کهن به دست می‌دهد و در این مجموعه از واژه‌های کهن و مذهبی بسیار سود می‌جوید، چون انقلاب ۱۳۵۷ بسیار بر شعرهایش سایه افکنده و گاهی او را ذوق‌زده کرده است، مثل: قامت حق، متن سر بیرنگ مشرق دیو رجیم، آیات کفر، تسبیح وقت، تعویذ

آیات، نقش فریدون، سیاوش، سرشت گرسیوز، یحیای آفتاب، شام گزمه، نصر من الله، کتاب و میزان و آهن، اشارتی آسمان است از شکر «ولاتلقوا...». شاعر گاهی از تشبیه‌ها و استعاره‌هایی که سابقه‌ی طولانی در ادبیات ایران دارد، بهره می‌برد: دست ستم، دست زمانه، تن هر شاخسار، زمام دل، شعله‌های فنا، حجله‌خانه‌ی خورشید و ماه، چشمه‌ی باور، آفت بیم، دریاچه‌ی نور و صفا، معبر خورشید، دست عشق، دریای عشق، چشم عقل، مجمر تن، لجه‌ی سرگردانی، صحیفه‌ی گیتی، دهان پولاد و نای زمانه. (ابوطالبی، ۱۳۹۹: ۱۶)

گاهی واژگان و ترکیبات، بسیار نو و کارسازند، مانند: «قانون سربی، خزان ایستا، خواب مغناطیسی، ریسمان و هن، گلوی چرا، مرداب چشم، گدازه‌های جنون، زینهار دو چشم، دو طاقه‌ی اطلسی سبز نگاه نرم تو، سیاهی شک، سراب ریا، آبشخور مرداب ننگ، چتر نسترن، سرپوش طوفان، نگاه کهربایی، دل موج خیز خون، قطره‌های ملال، حریر حیا، آبگیر خفته‌ی ذهن، نسیم تفکر، دختر باور، کلاف تخیل، حریر شب». هنر سیمین بهبهانی در این نوع غزل‌ها آن است که توانسته ترکیبات کلاسیک و مدرن را ماهرانه در کنار هم قرار دهد. اشعار سیمین در این مجموعه به مفاهیمی اشاره دارد که از واقعیت‌های ملموس و رنج‌آور و شادی‌آفرین زندگی مایه‌ور شده است. این دفتر، بافتار و ساختاری برون‌گرایانه دارد و مسائل اجتماعی مشخصی را در مقاطع خاص تاریخی ترسیم کرده است. گذشته از هارمونی و هماهنگی واژه‌های کهن و مدرن و ترکیب‌های تصویری، سروده‌های سیمین، واگویه‌ها و بازتاب حس تکامل‌یافته‌ی رمانتیکی اوست. (کرمانی و رضایی، ۱۳۹۷: ۴۱-۴۴)

### ۳-۲- انواع شکواییه در شعر سیمین بهبهانی

در شعر سیمین بهبهانی نمونه‌های فراوانی از انواع شکواییه شخصی، اجتماعی، سیاسی و فلسفی را می‌توان یافت که در این قسمت بدان اشاره می‌شود:

#### ۳-۲-۱- شکواییه‌های شخصی

در شکواییه‌ی شخصی به طرح مسائل و مشکلات شخصی مانند غم تنهایی و عشق و بی‌وفایی، بیماری، پیری، غم غربت و... پرداخته می‌شود که شاعر با بیانی ساده به آلام روحی خویش در این زمینه‌ها اشاره می‌کند. این مجموعه از شعر سیمین، خالی از شکوه‌های شخصی نیست. شاعر به مقتضای حال خود، دریچه‌ی قلب را می‌گشاید و رنج‌های درون و گله‌مندی خود را با مخاطب در میان می‌گذارد.

رنجش او از آلام شخصی، نمودار قلبی شکسته است که در شکوه باز نموده و آرام و نجیب اما قوی و استوار به بیان آن می‌پردازد.

### الف) شکوه از خویشتن

گاه به بیهودگی رسیدن در زندگی، ملالی در دل شاعر پدید می‌آورد و از این که زندگی‌اش با تقلید و تکرار و نومیدی می‌گذرد، سخت گله‌مند است. مانند ابیات زیر که سرشار از نومیدی و شکایت است:

وای، من بیهوده‌ام، بیهوده‌ام در کارها      آه من افتاده‌ام، افتاده چون بیمارها

در کویری سخت سوزان، مایه‌ی نومیدی است      استخوانی مانده باقی، از تن مردارها

(بهبهانی، ۱۳۹۷: ۲۱۱)

در پاره‌ای از موارد نیز شاهد شکایت شاعر از فروختن روح و روان خویش هستیم. هرچند این سودا را نارواترین معامله می‌داند و به پستی آن واقف است، گویا چاره‌ای از این سوداگری ندارد. از این‌رو خود را غیر مستقیم سرزنش می‌کند.

من روح می‌فروشم      کالای من همین است

وز هرچه نارواتر      این نارواترین است

در شهر خودپرستی      در چهارسوق پستی

سودا و سود خلقی      دیرست کاینچنین است

(همان: ۵۴۸)

### ب) شکوه از عشق

شکوه از عشق در شعر سیمین بسامد بالایی دارد وی که در زندگی خود طعم تلخ شکست در عشق را تجربه کرده، در جای‌جای سخنش به مقتضای حال از آن سخن گفته است. فقدان عاطفی حاصل از ازدواج نخست سیمین که مدّت زیادی از عمر وی را در بر گرفت، در اشعار شکوایی او نقش مهمی را ایفا می‌نماید نظیر این ابیات:

من آن سیّاره‌ی صد سال نوری دور از دستم      به بال مرغکان سویم چرا میل سفر کردی

مرا آغوش سنگی با تو چندان بی‌تفاوت شد      که هیچت در نمی‌یابد اگر گرمی اگر سردی

مرا اشک تو شاید دیدگان بر عشق بگشاید      بگو باران فرو شوید ز چشم‌انداز من گردی

(بهبهانی، ۱۳۹۷: ۸۱۱)

گاه نیز از کوتاه بودن زمان عشق گله‌مند است؛ نظیر این ابیات که به سرزنش عشق می‌پردازد که چرا میدان و عرصه را تنگ نمی‌بیند و دم را غنیمت نمی‌شمارد:

ای عشق بدین مجال کوتاه      زین بیش مرا چه اعتبار است  
برخیز و کمند خود رها کن      دریاب که آخرین شکار است  
(همان: ۵۲۹)

و در جایی دیگر باز از دیر آمدن عشق شکوه می‌کند:

عشق، ای مشعل سرخ      واپسین تابشت را  
یاس خاکسترینم      بازتاب ضمیر است  
(همان: ۶۲۳)

### ج) شکوه از یار

کدامین عاشق است که یار را مخاطب قرار نداده، از جفای او ننالد و او را تقصیرکار سرنوشت و اعمال خود نداند؟ افتادن نقاب از چهره‌ی یار و برملا شدن هویت او از شکوه‌های سیمین است:

ای پرده برگرفته ز رخ      می‌بینمت به پرده دری  
دیوی که جسته برون      از جامه‌ی سپید پری  
(همان: ۵۳۲)

گاهی شاعر بی‌تاب شده از عشق، از بی‌تفاوتی و بی‌توجهی معشوق خود گله‌مند است. عشق سوزانی که سر تا پای او را فرا گرفته، اما یار، فارغ از این سوز و ساز عاشق است و آن را درک نمی‌کند:

باور نداشتم که چنین واگذاریم      در موج خیز حادثه، تنها گذاریم  
آمد بهار و عید گذشت و نحواستی      یک دم قدم به چشم گهرزا گذاریم  
با آن که همچو جام شکستم به بزم تو      باور نداشتم که چنین واگذاریم  
(همان: ۳۲۹)

### د) شکوه از پیری و ناتوانی

شکوه از شتاب عمر رفته‌ای که به پیری یا بیماری رسیده است، اندوه بزرگی است که شاعر از آن یاد می‌کند.

از عمر، چون غروب، زمانی نمانده‌است    وز جور شام تیره، امانی نمانده‌است  
چون شب‌نم خیال به گلبرگ یاد یار    از ما نشان دیر زمانی نمانده‌است  
بودیم یک فغان و خموشی مزار ماست    جز لحظه‌ای طنین، فغانی نمانده‌است  
(بهبهانی، ۱۳۹۷: ۶۲۳)

در جای دیگر باز به پیری و از دست رفتن جوانی اشاره می‌کند و از حال خود گله‌مند است. او بارها از این که گذر عمر هیچ دستاوردی برای او نداشته شکوه سر داده:

عمری به سر رسید سراسر رنج    حاصل عمر رفته چه دارم هیچ  
پاشیده‌ام به خاک و نمی‌دانم    شیرین شراب جام چه کس بودم؟  
(همان: ۵۶۱)

اینک منم به کندی    بیمار و کاهل و سنگین  
لغزد به جوی عروقم    آن سرخ‌گونه‌ی جاری  
(همان: ۵۷۰)

### ۳-۲-۲- شکواییه‌های اجتماعی

سیمین، تعهد اجتماعی را ذاتی شاعر می‌داند. شاعر به گمان او باید سفارش اجتماعی را با دل و جانش لمس کند و آنچه را که جامعه می‌خواهد، بپذیرد و بیان کند. یعنی کسی که بیندیشد، چاره‌جویی کند و خوب را از بد تشخیص دهد. (عابدی، ۱۳۹۷: ۳۱)؛ او در جایی می‌گوید: خیلی‌ها هستند که تمام وجودشان جزئی از جامعه است که در آن زندگی می‌کنند؛ یعنی خودشان را جدا از جامعه حس نمی‌کنند. اگر کسی جلوشان افتاده و مرده باشد، فکر می‌کنند خودشان مرده‌اند؛ یعنی آن مرگ را با روح خودشان حس می‌کنند و اگر کسی بیمار باشد، این بیماری را در دل خودشان جست‌وجو می‌کنند. یا اگر کسی در زندان باشد، انگار خودشان زندانی هستند. پس این تعهد ذاتی شاعر است و باید در خود شاعر هم وجود داشته باشد و پذیرفتنی باشد، وگرنه چیز مسخره‌ای می‌شود. (مظفری ساوجی، ۱۳۹۴: ۱۱۳)؛ شکوه‌های اجتماعی او بیشتر گلایه از قوانین اجتماع، بی‌تفاوتی مردم، دغل‌کاری و فقدان راستی، گله از زنان و خلق روزگار است.

### الف) شکوه از مردم زمانه:

سیمین، تشنه‌ی دیدار یک انسان واقعی است. انسانی که بی هیچ چشمداشتی یاریگر هم‌نوع خود و تجسم واقعی انسانیت باشد. او در فقدان انسان راستین شکوه سر می‌دهد:

وان غول آدمی‌نام، رامم کند به دشنام      من خیره در نگاهش، با شرم و بی‌گناهی  
گویم به خود که دیدی در آرزوی آدم      عمرت گذشت و اینک این است آنچه خواهی!  
(بهبهانی، ۱۳۹۷: ۵۱۴)

### ب) شکوه از غفلت مردم

گاه شاعر مستقیماً به غفلت انسان‌ها اشاره می‌کند که دنباله‌رو گروهی دیگرند و در نهایت آتش به خانمان خود می‌زنند:

آتش گرفته گوشه‌ی نیزار و غافلند      آن مغزها دستخوش موریانه‌اند  
این شعله‌ها که در دل نیزار می‌دوند      ویرانگر هزار هزار آشیانه‌اند  
(همان: ۵۱۶)

### ج) گله از مدعیان

گاه شاعر، ناخرسندی خود را از مدعیان در قالب گله و شکایت ابراز می‌کند مانند ابیات زیر که به مدعیان اشاره می‌کند و با زیر سؤال بردن آن‌ها از زخم زبانشان شکوه می‌کند اما طعنه نیز می‌زند و حق را نیز به آن‌ها نمی‌دهد:

ای مدعیان، مضحکه سازید و از این‌روی      جز قهقهه کس داور دعوای شما نیست  
ایمان من سوخته باور، نه شگفت است      گر شیفته‌ی قول فریبای شما نیست  
من سنگ و سخن‌های شما میخ پر از زنگ      حق با دل تنگم که پذیرای شما نیست  
(همان: ۵۷۸)

### د) شکوه از منفعل بودن زنان

در برهه‌ای از تاریخ، مردان در کسب علم و دانش بر زن‌ها برتری داشتند. در عوض، زنان مظهر جنون، ضعف، انفعال و نادانی به شمار می‌رفتند. تنها زمانی می‌توانستند کار کنند که اسباب فراغت مردان تأمین شود. (لگیت، ۱۳۹۱: ۲۳). سیمین در یکی از اشعار خود با صراحت بیان، زنان را مورد خطاب قرار

می‌دهد و بدین ترتیب تلنگری به زنان زده که مسئولیت‌های خطیری چون به دست گرفتن قلم در شأن آن‌هاست:

ای کنیزک مطبخ‌زاد	خواجه را به سلامی شاد
این خرابه‌ی دودآباد	خود مزار تو خواهد شد
چند بر این سرا ماندن	گرد خانه برافشاندن
رو به خامه و دفتر کن	گریه‌گون غزلی سر کن
کز پی تو همین غمگین	یادگار تو خواهد شد

(همان: ۵۳۹)

### ۳-۲-۳- شکواییه‌های سیاسی

سیمین بهبهانی در دوره‌ی پهلوی دوم که از نزدیک شاهد بی‌عدالتی‌ها و اختناق سیاسی و فضای ناسالم حاکم بر جامعه بود، در بخشی از اشعارش این حال و هوا را ترسیم کرده و با صراحت به شکوه و گله از آن پرداخته است. برای مثال به کشتار مردم بی‌گناه در جنگ و درگیری با مأموران حکومتی و همچنین اعدام‌های شاعرانی چون خسرو گل‌سرخ‌ی و کرامت‌الله دانشیان در قبل از انقلاب می‌پردازد و حکومت را به خاطر این اعدام‌ها سرزنش می‌کند. او سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ را این‌گونه توصیف می‌کند: «روزنامه‌ها و مجله‌ها و شعرها یا در لباس استعاره یا در لباس صراحت اعتراض می‌کردند. بعضی از نویسندگان را گرفتند که رضا براهنی جزءشان بود و مدتی در زندان ماند. اعدام گل‌سرخ‌ی و دانشیان تأثیر بسیار بدی بر روشن‌فکران گذاشت.» (اکبریانی، ۱۳۹۳: ۹۰)؛ گاه سیمین اختناق فضای حاکم بر جامعه را در قالب شکوه به تصویر می‌کشد چنانکه در ابیات زیر به اعدام آزادگان و آزادی‌خواهان اعتراض نموده و جهان را از مرگ بی‌هنگام آن‌ها سوگوار توصیف می‌کند تا با این شعر، نام آن‌ها را زنده نگه دارد:

ای جهانی سوگوار از مرگ بی‌هنگامتان	تا جهان جاری‌ست، جاری باد بر لب نامتان
خاک کشتنگاهتان را بوسه زد آزادگی	پای‌مزدی اینچنین شایسته‌ی هر گامتان

(بهبهانی، ۱۳۹۷: ۵۱۷)

تاباهی و شومی حکومت پهلوی در کشتار مردم بی‌گناه در جمعه‌ی سیاه ۱۷ شهریور از زبان سیمین این‌گونه روایت می‌شود، با فغان و نفرین بر حکومت وقت:



نفرستی از چه درودی؟	به نسیم کوی شهیدان
نه گلی در او نه گیاهی	که غمین گذشته ز دشتی
همه لب‌گزیده به حسرت	همه دیده بسته ز وحشت
نه اشارتی به نگاهی	نه بشارتی به کلامی
که نمانده چاره به جز این	من و بانگ نفرت و نفرین
چو فغان کنم که الهی	تو و همنوایی آمین

(همان: ۵۸۴)

سیمین در موارد متعددی از مرگ مردم و کشتار جوانان بی‌گناه در اعتراضات به حکومت شاه یاد کرده و از مردم می‌خواهد که با این ناجوانمردی‌ها سازش نکنند تا خون شهیدان پایمال نشود. شاعر در این شعر با نفرینش، به مرگ استاد جوان کامران نجات‌اللهی نیز اشاره دارد:

سازش مپسندید	با هیچ بهانه
کز خون شهیدان	رودی ست روانه
آن پنجه‌ی بی‌داد	از بند جدا باد
کز سینه‌ی استاد	بگرفت نشانه
سرخ است از این پس	چون خون جوانان
هر سبزه که روید	بر جوی کرانه

(بهبهانی، ۱۳۹۷: ۵۹۲)

و در جایی دیگر به کشته شدن مردم در سال ۵۷ اشاره دارد:

نمی‌توانم که ببینم	جنازه‌ای بر زمین است
که بر خطوط مهیبش	گلوله‌ها نقطه‌چین است

(همان: ۵۹۵)

**شکوه از جنگ و بیزاری جستن از آن:** در بخشی از مجموعه شعر «خطی ز سرعت و از آتش»

که از شهریور ۱۳۵۷ آغاز می‌شود، فضای سیاسی ملتهب ایران روایت شده است. در شعرهای این بخش، رنج‌های انسان ایرانی در شتاب حادثه‌ها و واقعه‌های این دوره مؤکد می‌شود. شاعر بی‌آنکه جانب هیچ-کدام از گروه‌های له و یا علیه حکومت نوپا را بگیرد، از دیدگاه انسانی و ملی خاص خود به صحنه‌ی

جامعه می‌نگرد. در همان حال به ستایش رزمندگان میهنش در جبهه‌ی جنگ تحمیلی حزب بعث عراق برمی‌خیزد. (عابدی، ۱۳۹۷: ۷۲)

آنچه از این ابیات پیداست این است که سیمین، روحیات خود را مخالف جنگ معرفی کرده است و از عواقب آن انتقاد می‌کند:

ای کودک امروزم	دلخواه تو گر جنگ است
من کودک دیروزم	کز جنگ مرا ننگ است
بر کرکس و بر کفتار	خوش می‌رود این رفتار
تا کشته فراوان است	تا مرده فراچنگ است

(بهبهانی، ۱۳۹۷: ۶۰۵)

در جایی دیگر به این مطلب اشاره می‌کند که جنگ بر مردم ایران، ناخواسته تحمیل شد و مردم ناگزیر از دفاع در برابر حمله و تهاجم دشمن اهریمنی بودند و از شرایطی که جنگ پدید آورده گلایه می‌کند:

ما نمی‌خواستیم اما هست	جنگ این دوزخ این شررها هست
گفته بودم که «هان مبادا جنگ»	دیدم اکنون که آن «مبادا» هست
ما نمی‌خواستیم جنگ و ستیز	خواست اهریمن و دریغا هست

(همان: ۶۱۳)

یکی از اشعار تأثیرگذار سیمین، شعری است که در وصف جنگ و مقاومت شجاعانه مردم خرمشهر سروده و آن را به تمام مردم شهرهای غرقه در خون که از بذل جان دریغ نکردند و فاتحانه شهید شدند، تقدیم کرده است. او همواره در این ستایش، گلایه‌های خود را نیز از شرایط موجود بیان می‌کند:

بنویس ایثار جان بود	غوغای پیر و جوان بود
فرزند و زن خان و مان بود	از بیش و کم هرچه داری
بنویس کانجا عروسک	چون صاحبش غرق خون بود
این، چشم‌هایش پر از خاک	آن، شیشه‌هایش غباری

(بهبهانی، ۱۳۹۷: ۶۱۸)

و در جایی دیگر نیز در وصف خرمشهر و شرایطی که جنگ برای آن به وجود آورد، شکوه می‌کند:

جهان شنیده‌ست اینک  
که از خراب «خونین شهر»  
بلند واژه تر سرداد  
سرود «تل زعتر»، خاک  
روا مباد آبی خوش  
به کام آتش‌افروزان  
که رفته دوستی بر باد  
که خفته آشتی در خاک  
(همان: ۶۲۰)

### ۳-۲-۴- شکواییه‌های فلسفی

آنچه عواطف و احساسات آدمی را برمی‌انگیزد، تنها بیان عشق و سوزوسازهای عاشقانه نیست، بلکه رنج‌ها و نامرادی‌های زندگی نیز عواطف انسان را برمی‌انگیزد. واکنش این عواطف به گونه‌ی شکوه و شکایت از گردش روزگار و مشکلات آن در غزل مطرح می‌گردد. (خان‌محمدی، ۱۳۹۴: ۱۶۰)؛ غزل-های سیمین نیز خالی از شکوه و شکایت از دستگاه آفرینش و مقدرات نیست، به طوری که گاه دنیا را به سخره گرفته و از کوچکی دنیای خویش شاکی است:

این کوچک سرد غمین  
خالی از حضور یقین  
این است و همین و همین  
دنیای محقر من  
(بهیانی، ۱۳۹۷: ۵۳۷)

یأس شاعر و سرخوردگی از دنیا در ابیات زیر ملموس است:

زمین کروی شکل است شنیدی و می‌دانی  
یمین و یسارش نیست چنین که تو می‌خوانی  
جهان به خط تقسیم دو پاره‌ی مردار است  
که کرکس و کفتارش نشسته به مهمانی

دنیایی که از نظر سیمین، حاصل آن هیچ و پوچ است و بی‌مقدار:

گویند از این دنیا سودی نجوید کس  
سودای ای کالا در سر پپرور هیچ  
سختا شگفت اما کاینان نمی‌جویند  
من نیز از این دنیا هیچم گریزی نیست

با آنکه می‌دانم      دل بسته‌ام بر هیچ

(بهبهانی، ۱۳۹۷: ۵۴۱)

گاه جبر روزگار، دل شاعر را چنان به درد می‌آورد که نمی‌تواند از شکوه خودداری کند:

برگ پاییزم ز چشم باغبان افتاده‌ام      خوار در جولانگه باد خزان افتاده‌ام

قطره‌ای بر خامه‌ی تقدیر بودم روسیاه      بر سپیدی‌های اوراق زمان افتاده‌ام

(بهبهانی، ۱۳۹۷: ۲۴۳)

از این کلام مختصر      مرا قضا شد این قدر

که ترهات خویش را      نثار طره‌ها کنم

(همان: ۵۵۰)

و در پی همه این گلایه‌ها، شکوه از گذشت روزگار و کوتاهی عمر را از نظر دور نداشته، اما معتقد

است که با توجه به زودگذر بودن عمر، دم را باید غنیمت شمارد:

هر که دم از عمر غنیمت شمرد      گفت که آدم همه آه و دم است

خیره‌مندیش ز هر دیر و دور      کانچه مسلم بود این یک دم است

(همان: ۵۵۹)

در جای دیگر از عمری که گذشت و زودگذر بودن عمر می‌گوید:

تیک...تاک، تیک...تاک      لحظه آه می‌رود

ناگزیر سربه‌زیر      پابه‌راه می‌رود

عمر من بمان بمان      مهلتی... خدای را

بی‌وداع بی‌کلام      بی‌نگاه می‌رود

قطره قطره چشمه‌وار      لحظه لحظه می‌چکد

ماه و سال می‌شود      سال و ماه می‌رود

(همان: ۶۲۵)



#### ۴- نتیجه‌گیری

مکتب رمانتیسیم در اواخر قرن هیجدهم در انگلستان زاده شد و به عکس کلاسیک که بیشتر به عقل تکیه داشت، عاطفه، احساس و تخیل را مورد توجه ویژه قرار داد. این مکتب بر شعر فارسی تأثیر بسیار نهاد؛ به نحوی که شاعران فارسی‌زبان بسیاری با تأثیر از مکتب یادشده، در این میدان گام نهادند و متناسب با روحیه و شخصیت ادبی خویش، مجالی را از این مکتب برگرفته و در آن، شعر سرودند. مواردی چون گرایش به طبیعت و زندگی روستایی، آزادی از قیود متعارف ادبی در شکل و محتوا، بروز قدرتمند شخصیت هنرمند، تجلی مبالغه‌آمیز احساسات و نیز گریز از واقعیت‌ها به سوی خیالات آرمانی را می‌توان از وجوه مشترک اغلب سراینده‌گان این مکتب در دو زبان برشمرد. از طرفی شکواییه، یکی از گونه‌های ادب غنایی است که در آن، شاعر نسبت به رویدادهای دردآور زندگی که سبب به تنگنا افتادن آدمی می‌شوند، گله‌مند است. این نوع شعر به‌ویژه در ادبیات فارسی، جایگاه قابل توجهی دارد. شاعران که هنرمندانی تیزبین و صاحبان اندیشه‌های ژرف‌نگر هستند، با دقت بیشتری اوضاع جامعه را کاوش کرده و نابسامانی‌های آن را در اثر خود جلوه‌گر می‌سازند. بررسی شکواییه‌ها می‌تواند مخاطب را با احوال شخصی سخنوران و وضعیت اجتماعی - سیاسی عصر آنان بیشتر آشنا سازد. اساساً شاعران در شکواییه‌های خود، موضوعاتی همچون دردها، ناملایمات و محرومیت‌های موجود را می‌آورند که حاکی از اندوه، رنج، یأس، ناکامی، تیره‌روزی و بدبختی گوینده‌ی آن است.

در این مقاله، مساعی نویسندگان حول بررسی مستدل انواع شکواییه‌های سیمین بهبهانی در دفتر شعر «خطی ز سرعت و از آتش» بوده است. در این مجموعه شعر که ساختاری برون‌گرایانه دارد، شاعر کوشیده است که درددل‌های خود را بی‌پرده و بدون جهت‌گیری خاصی برای مخاطب بیان کند. شکوه‌های سیمین بهبهانی در این دفتر شعر، بیشتر جنبه شخصی، سیاسی، اجتماعی و فلسفی دارد. شاعر در این مجموعه به غریب‌ترین و واقعی‌ترین احساسات خود پرداخته و گلایه‌ها را به هم می‌ریسد و از آن شعری خلق می‌کند که ما را به درد و رنج جامعه و برهه‌ی مشخصی از تاریخ می‌کشاند. در این مجموعه، مخاطب قدم به قدم با شاعر پیش می‌رود و به روایت‌های آمیخته به گلایه‌ی شاعر گوش می‌سپارد و با او در جنگ، مرگ و کوچه‌باغ‌های سرنوشت قدم می‌گذارد و جان شیرینش لبریز از عاطفه‌ی شاعر می‌شود. قدر مسلم تأثیرگذاری این مجموعه شعر به دلیل احساساتی است که با ظرافت به اندوه و ناله آمیخته شده و از دل شاعر برخاسته است.

## منابع


- ابوطالبی، مهناز (۱۳۹۹)، **آشنایی با سیمین بهبهانی**، تهران: تیرگان.
- اکبری، سهیلا (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی جنبه‌هایی از رمانتیسیم در شعر سعادت الصباح و سیمین بهبهانی»، **پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد**، دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی، سبزوار: دانشگاه حکیم سبزواری.
- اکبریانی، محمدحاشم (۱۳۹۳)، **سیمین بهبهانی**، تهران: نالث.
- اکرمی ابرقویی، اکبر و دیگران (۱۳۹۹)، «بررسی شکواییه‌ها در دیوان ابوالقاسم لاهوتی»، **نشریه‌ی مطالعات زبان و ادبیات غنایی**، س ۱۰، ش ۳۴: ۹-۲۲.
- بساک، حسن و دیگران (۱۳۹۸)، «تحلیل آرمان‌گرایی ملی-سیاسی و ناسیونالیسم انقلابی در اشعار سیاوش کسرایی با تأکید بر مؤلفه‌های مکتب رمانتیسیم اجتماعی»، **نشریه‌ی پژوهش‌نامه‌ی مکتب‌های ادبی**، س ۳، ش ۵: ۱۱۱-۱۲۸.
- بنی‌فاطمه، نجمه سادات و دیگران (۱۳۹۹)، «دردها و شکواییه‌های اجتماعی و فرهنگی در دیوان قصاید و غزلیات عماد فقیه کرمانی»، **نشریه‌ی مطالعات هنر اسلامی**، س ۱۶، ش ۳۹: ۸۸-۱۱۱.
- بهبهانی، سیمین (۱۳۹۷)، **مجموعه اشعار سیمین بهبهانی**، تهران: نگاه.
- ثریا محابد، زینب (۱۳۹۲)، «نقد و تحلیل رمانتیسیم در شعر سیمین بهبهانی و طاهره صفارزاده»، **پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد**، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، بیرجند: دانشگاه بیرجند.
- جعفری، زهره و عبدالله نصرتی (۱۳۹۴)، «مقایسه‌ی ارزش‌ها در اشعار پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی»، **نشریه‌ی ادبیات فارسی بهارستان سخن**، س ۷، ش ۲۸: ۶۹-۹۲.
- جلال‌پور، آتوسا (۱۳۹۳)، «خواست تغییر آدریان ویچ و خطی ز سرعت و از آتش سیمین بهبهانی: بررسی تطبیقی اشعار اجتماعی در پرتو پژوهش‌های فلسفی ویتگنشتاین»، **پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد**، تهران: دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.
- حاجیان، حیدر (۱۴۰۱)، **راهیان عشق: بررسی غنایات در شعر فایز دشتی**، مفتون بردخونی و محمدخان دشتی، تهران: امتداد حکمت.
- حاکمی، اسماعیل (۱۳۸۶)، **تحقیق درباره‌ی ادبیات غنایی ایران (و انواع شعر غنایی)**، تهران: دانشگاه تهران.
- حسنی، مهناز و داریوش کاظمی (۱۳۹۵)، «بررسی شکوه در دیوان وصال شیرازی»، **نشریه‌ی کارنامه متون ادبی دوره‌ی عراقی**، س ۱، ش ۱: ۱-۲۲.

- حیاتی، سیاف و محسن ایزدیار (۱۴۰۰)، «انواع شکواییه در اشعار نیما یوشیج»، **نشریه‌ی کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی**، س ۲۲، ش ۴۹: ۲۰۱-۲۳۳.
- خان‌محمدی، محمدحسین (۱۳۹۴)، **چشم‌اندازی بر ادبیات غنایی ایران**، تهران: مهر امیرالمؤمنین.
- رجایی، حمیدرضا و دیگران (۱۳۹۶) «زن در شعر سیمین بهبهانی»، **نشریه‌ی مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه**، س ۳، ش ۱: ۹۹-۱۰۶.
- رحیمی، سید مهدی و دیگران (۱۳۹۲)، «جلوه‌های رمانتیسم در شعر سیمین بهبهانی»، **نشریه‌ی پژوهش‌نامه‌ی ادب غنایی**، س ۱۱، ش ۲۱: ۱۰۳-۱۲۴.
- رضازاده، راضیه (۱۴۰۰)، **بررسی بن‌مایه‌های غنایی در مثنوی‌های عطار: اسرارنامه، الهی‌نامه، منطق‌الطیر، مصیبت‌نامه**، تهران: سخن گستر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۹۳)، **سیری در شعر فارسی: بحثی انتقادی در شعر فارسی و تحول آن با نمونه‌هایی از شعر شاعران، و جست‌وجویی در اقوال ادبا**، تهران: سخن.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۴۰۱)، **دیوان غزلیات**، به کوشش محمدعلی فروغی، چاپ شانزدهم، تهران: ققنوس.
- سیف فرغانی، محمد (۱۳۹۲)، **دیوان سیف فرغانی: دوره‌ی کامل**، به کوشش ذبیح‌الله صفا، چاپ دوم، تهران: فردوس.
- شیرازی، علی‌احمد و دیگران (۱۴۰۰)، **تحلیل تطبیقی نقد نظام اجتماعی مردسالار در شعر سیمین بهبهانی و فهمیده ریاض**، **نشریه‌ی ادبیات تطبیقی**، س ۱۳، ش ۲۴: ۹۷-۱۴۰.
- طالب‌زاده، نوشین (۱۳۹۹)، **شکواییه در شعر معاصر**، تهران: برازمان.
- عابدی، کامیار (۱۳۹۷)، **سیمین بهبهانی شاعر و تکاپوگر مدنی**، تهران: جهان کتاب.
- ..... (۱۳۹۳)، **مقدمه‌ای بر شعر فارسی در سده‌ی بیستم**، تهران: جهان کتاب.
- عزیززاده، طیبه و دیگران (۱۴۰۰)، «بررسی زیبایی‌شناسی و مقایسه‌ی شکواییه‌های شخصی در اشعار سعدی شیرازی و صائب تبریزی»، **نشریه‌ی زیبایی‌شناسی ادبی**، س ۱۲، ش ۴۷: ۱۳۳-۱۵۶.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، **شاهنامه فردوسی**، تهران: کتاب‌سرای نیک.
- فورست، لیلیان (۱۳۹۵)، **رمانتیسم: از مجموعه‌ی مکتب‌ها، سبک‌ها و اصطلاح‌های ادبی و هنری**، ترجمه مسعود جعفری‌جزی، تهران: مرکز.
- فیروزی، آریتا (۱۳۹۳)، **آشنایی با مکتب رمانتیسیسم**، تهران: وارث‌وا.

- قنبرعلی باغنی، زهرا و شهین اوجاقعلی‌زاده (۱۴۰۱)، «تعالی شخصیت انسان در اشعار سیمین بهبهانی بر پایه‌ی نظریه‌ی اریک فروم»، **نشریه‌ی متن‌پژوهی ادبی**، س ۲۶، ش ۹۱: ۲۳۵-۲۶۱.
- کاظمی، داریوش و نجمه اعظم‌پور (۱۳۹۰)، «بررسی شکواییه‌ها در دیوان وقار شیرازی»، **نشریه‌ی تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی**، س ۴، ش ۱۰: ۳۹-۶۴.
- کرمانی، مریم و کاووس رضایی (۱۳۹۷)، **اندیشه‌ی آرمان‌شهر در شعر پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد**، تهران: نادریان.
- کریمی اصلی، بیان و دیگران (۱۳۹۹)، «تحلیل محتوایی شکواییه‌ها در شعر دوره‌ی مشروطه با تأکید بر اشعار میرزاده عشقی»، **نشریه‌ی مطالعات زبان و ادبیات غنایی**، س ۱۰، ش ۳۴: ۴۹-۶۲.
- کهریزی، خلیل و خلیل بیگ‌زاده (۱۳۹۹)، «مؤلفه‌های مکتب رمانتیسیم در رمان دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد»، **نشریه‌ی ادب فارسی**، دوره ۱۰، ش ۱: ۱۷۱-۱۸۷.
- لگیت، مارتین. (۱۳۹۱). **زنان در روزگارشان (تاریخ فمینیسم در جامعه غرب)**. ترجمه نیلوفر مهدیان. چاپ اول. تهران: نشر نی
- مددی، زهرا (۱۴۰۰)، **سیر تطور زبان غنایی در منظومه‌های داستانی: از ابتدا تا آخر دوره تیموریان**، تهران: ویراست.
- مظفری ساوجی، مهدی (۱۳۹۴) «گفتگو با سیمین بهبهانی»، **فصلنامه شعر چوک**، ش ۷: ۱۰۹-۱۱۳
- ناصری، فرشته (۱۴۰۰)، **مبانی اصلی ادبیات غنایی**، تهران: تخته سیاه.
- نجاریان، سکینه (۱۴۰۰)، **عاشقانه‌های ادب فارسی و تحلیل شخصیت‌های ده منظومه برتر غنایی**، تهران: حبله رود.
- واحد، اسدالله و محمدعلی نوری باهری (۱۳۹۶)، «نقد و بررسی شکواییه‌های سیاسی در شعر قرن ششم»، **نشریه‌ی زبان و ادب فارسی**، س ۶۵، ش ۲۲۵: ۱۴۳-۱۶۵.



## Analysis of the Different Forms of Complaint in the Works of Simin Behbahani with an Emphasis on Romantic Discourse (Case Study: The Poetry Collection “A Line of Speed and Fire”)

Tayyebi, Azadeh<sup>1</sup> 

Nodehi, Kobra<sup>2</sup> 

Amini Mofrad, Taghi<sup>3</sup> 

DOI: 10.22080/RJLS.2023.24671.1366

### Abstract

The school of Romanticism is a European literary school which was born as a result of turning away from the logic and wisdom of the school of Classicism and was inspired by passion and excitement. This school has also had considerable influence on the development of various nations, including Iran. One of the important effects of the school of Romanticism on Iranian poets has been the development of their worldview, which has, in turn, broadened the scope of their protests and complaints regarding various social issues. This issue shows its effects in a more tangible way, especially when injustices, challenges, and social and individual disorders in a society are intensified. Simin Behbahani is one of the contemporary poets who has complained in her poems about injustices, deaths, and abandonment, and has protested against the existing situation of the society and her fellow human beings. In this article, authors have tried to use the descriptive-analytical research method to analyze the Romantic discourse of complaints in the works of Simin Behbahani. Findings of the research indicate that personal complaints are more prominent in the above-mentioned poetry collection, the reason for which should be found in her sensitive spirit and femininity; since she has experienced bitter and unfortunate events at some point in her life, her frank talk about pains and failures in her poetry attracts the sympathy of her audience.

**Keywords:** School of Romanticism, Complaints, Simin Behbahani, A Line of Speed and Fire

### 1. Introduction

One of the renowned contemporary poets of the Romantic school is Simin Behbahani, also known as the Lady of Ghazal. As someone who had lived

---

<sup>1</sup> PhD Candidate of Persian language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

<sup>2</sup> Assistant Professor of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran. Corresponding author: kobranodehi@iau.ac.ir

<sup>3</sup> Assistant Professor of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

during the second period of Pahlavi as well as the Revolution and its aftermath, she witnessed many of the problems of society closely, and wrote about all the ups and downs of the periods she experienced, which secured for her a special place among the contemporary poets. The importance of Simin Behbahani's complaints can be viewed from different perspectives and angles. First, Behbahani's poems represent her as one of the poets who have taken a reformist approach by distancing themselves from the traditional attitude. Secondly, Behbahani radically assigns importance to the position and value of human beings because she believes in the nobility and centrality of human beings in life. Humanity has a high place in Behbahani's poems, because she believes in being and considers it as a source of power that is beyond humans. Thirdly, Simin's social complaints are reflected by insisting on concepts such as deprivation from social freedoms, suffocation, etc., which are mixed with a form of Romanticism. Through their reading of Behbahani's poems, authors aim to answer this question: what are the most important aspects of the Romantic discourse of complaint in the works of Simin Behbahani?

## **2. Research Method**

The research method of this article is descriptive-analytical and is conducted through examining the collection of poems "A Line of Speed and Fire". Verses that are related to different forms of complaints are extracted and analyzed after categorizing all the verses.

## **3. Findings: Types of Complaints in Simin Behbahani's Poetry**

1. Personal complaints including complaints about oneself, complaints about love, complaints about friends, and complaints about old age and disability.
2. Social complaints including complaints about the unfairness of the times, complaints about people's negligence, complaints about pretenders, and complaints about the passivity of women.
3. Political complaints including complaints about suppression of freedom fighters and complaints about war.
4. Philosophical complaints including complaints about creation and predestination, complaints about the passing of time and shortness of life.

## **4. Conclusion**

The complaints of Simin Behbahani in this collection of poetry have personal, political, social and philosophical aspects. In this collection, the poet deals with her strangest and most real feelings and weaves the complaints together to create a poem that brings to her readers the pain and

suffering of the society in specific historical moments. In these poems, the audience walks step by step alongside the poet and listens to her narratives which are filled with the poet's complaints. This way, readers walk with her through war, death and the alleys of the gardens of destiny, and their sweet lives are filled with the poet's affection. Undoubtedly, the impact of this collection of poems is due to the emotions that are delicately intermixed with sadness and lamentation arising from the poet's heart.

### References

- Abu Talebi, Mahnaz, (2019), Acquaintance with Simin Behbahani \_ Tehran: Tirgan.
- Akbariani, Mohammad Hashem, (2013), Simin Behbahani, Tehran: Sales.
- Basak, Hasan; Moradian, Soghra and Hossein Poor, Esmail, (2018), "Analysis of National-Political Idealism, and Revolutionary Nationalism In the poems of Siavash Kasraei With Emphasis on Components of the School of Social Romanticism", Research Journal of Literary Schools, Year 3, Number 5, pp. 111-128.
- Behbahani, Simin, (2017), " Collected Poems of Simin Behbahani \_ Tehran: Negah
- \_ Jafari, Zohreh and Nosrati, Abdollah, (2014), "Comparison of Values in the Poems of Parvin Etesami, Forough Farrokhzad And Simin Behbahani", Journal of Persian Literature of Baharestan Sokhan, 7th year, number 28, pp. 69-92.
- Jalal Poor, Atusa, (2013), " The Change of Adrian Leftwich and A Line of Speed and Fire by Simin Behbahani: Comparative Review of Social Poems in Light of Wittgenstein's Philosophical Investigations ", M.A Thesis, Tehran: Faculty of Literature and Human Sciences
- Hakemi, Esmail, (2007), Research About: The Lyrical Literature of Iran (And Various Styles of Lyric Poetry) \_ Tehran: University of Tehran.
- Hasani, Mahnaz And Kazemi, Dariush, (2015), "Analysis of Complaints in the Divan of Wisal al-Shirazi", Journal of Literary Texts of the Iraqi Period, first year, number 1, pp. 1-22.
- Khan Mohammadi, Mohammad Hossein, (2014), " A Survey of Lyrical Literature in Iran, Tehran: Mehr Amir-Al-Momenin
- Rezazadeh, Razieh, (2020), " Analysis of Lyrical Themes in the Masnavis of Attar "Asrar-Nama" "Ilahi-Nama", "Mantiq-ut-Tayr", "Musibat-Nama" \_ Tehran: Shokhan Gostar



- Firoozi, Azita, (2013), "Introduction to the School of Romanticism", Tehran: Varesht-Va.
- Ghanbar Ali Baghni, Zahra And OjaghAli Zadeh, Shahin, (1401), "Elevation of Humanity in Simin Behbahani's poems based on the theories of Erich Fromm", Journal of Literary Research Texts, Year 26, number 91, pp. 235-261.
- Kermani, Maryam And Rezaei, Kavous, (2017), " Utopic Ideas in the Poetry of Parvin Etesami, Simin Behbahani And Forough Farrokhzad \_ Tehran: Naderian, Journal of Persian Literature, Volume 10, Number 1, pp. 171-187.
- Naseri, Fereshteh, (2020), " The Main Tenets of Lyrical Literature, Tehran: Takhte Siah